

بررسی رابطه هویت قومی و ملی با تأکید بر نقش دینداری: نمونه موردی دانش‌آموزان متوسطه شهر یاسوج

مجید موحد، دانشیار بخش جامعه‌شناسی دانشگاه شیراز

آرمان حیدری، استادیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه یاسوج*

سید فخرالدین بهجتی اصل، دانشجوی کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه شاهد تهران

چکیده

بررسی رابطه هویت ملی و قومی از برجسته‌ترین موضوع‌های مورد توجه جامعه‌شناسان و محققان خارجی و ایرانی بوده است. این رابطه را می‌توان در پرتو تأثیر دو دسته عوامل گریز از مرکز و یا گراینده به مرکز بررسی کرد. در دهه‌های اخیر، متأثر از جهانی شدن و تضعیف هژمونی تئوری‌های "دنیوی شدن"، دین و دینداری از مهمترین عوامل مرکز گریز و یا مرکزگرا در سرتاسر جهان بوده‌اند. مقاله حاضر، با فرض گرفتن نقش مرکزگرایی دین در ایران، با روش کمی و پیمایشی، به بررسی رابطه هویت قومی و ملی دانش‌آموزان متوسطه شهر یاسوج با تأکید بر نقش دینداری پرداخته است. بر اساس نتایج تحقیق، رابطه هویت قومی و ملی مثبت بوده و ابعاد چهارگانه دینداری، به ویژه ابعاد اعتقادی و عاطفی آن، همبستگی مثبت و مستقیمی با هویت ملی پاسخگویان داشته‌اند. همبستگی ابعاد دینداری، به استثنای بعد پیامدی، با هویت قومی پاسخگویان معنی‌دار نبوده است. بر اساس آزمون همبستگی جزئی می‌توان گفت، علی‌رغم مثبت بودن رابطه دینداری و هویت ملی، میزان تأثیر دینداری بر بسط دایره هویت جمعی پاسخگویان از هویت قومی به هویت ملی زیاد نبوده و این متغیر توانسته است، تنها ۱۴ درصد از واریانس هویت ملی پاسخگویان را تبیین کند.

واژه‌های کلیدی: دینداری، هویت قومی، هویت ملی، یاسوج، دانش‌آموزان متوسطه

مقدمه

به نظر ویلیام جیمز، افراد به تعداد گروه‌های مهم و متمایز موجود در جامعه می‌توانند خودهای اجتماعی بسیار متفاوتی داشته باشند. دولت‌ها، نیز، درست به همان اندازه افراد، هویت‌های زیادی دارند، اما بنیادی‌ترین هویت، هویت جمعی مشترک است؛ زیرا خط مشی‌ای^۱ برای دیگر هویت‌ها فراهم می‌کند و بیانگر جوهر و چیستی یک کنشگر است (آندرسون^۲، ۲۰۱۰). هویت جمعی مشترک، خود، نتیجه احساس تعلق، پیوستگی و همذات‌پنداری^۳ با گروه‌های اجتماعی است. دو گروه از مهمترین گروه‌های اجتماعی که افراد با عضویت و احساس تعلق به آنها نوعی هویت جمعی کسب می‌کنند، گروه‌های قومی و ملی هستند. پیوستگی به این دو گروه، به ترتیب، به خلق، بسط و تثبیت هویت‌های جمعی قومی و ملی می‌انجامد؛ دو نوع هویت جمعی‌ای که بررسی رابطه آنها در دنیای کنونی مهم و مورد توجه فراوانی بوده است.

بررسی رابطه هویت ملی و هویت قومی، مستلزم طرح و پاسخ به چند سؤال اساسی است: آیا همه قومیت‌های یک کشور ویژگی‌های یکسانی دارند؟ مهمترین وجه یا وجوه تمایز بخش اقوام از جامعه بزرگتر کدامند؟ این ویژگی‌های تمایز بخش (برای مثال، مذهب، تبار، زبان...)، تا چه اندازه موجب احساس جدایی قوم مفروض از جامعه بزرگتر می‌شوند؟ آن وجه تمایز بخش مفروض، تا چه اندازه، برای افراد آن قوم یا جامعه بزرگتر یا هر دوی آنان برجسته است و در رأس "سلسله مراتب برجستگی هویتی" آنان قرار دارد؟ از دیگر پرسش‌های مهم این حوزه این است که، آیا در بررسی رابطه هویت‌های قومی و ملی، استفاده از رویکردهایی که بر "نیروهای گریز از مرکز"^۴ متمرکز می‌شوند، مناسب‌ترند یا رویکردهایی که بر نیروهای "گراینده به مرکز"^۵ تأکید دارند؟ پاسخگویی به همه سؤال‌های فوق مهم است و

متناسب با اهداف هر تحقیق مورد توجه قرار می‌گیرند. در کل، می‌توان گفت، اول، همه قومیت‌های کشور ویژگی‌های یکسانی ندارند و وجوه تمایز بخش آنها از جامعه بزرگتر متفاوت است؛ همچنین، بعضی از ویژگی‌های قومی در پرتو ویژگی‌های فراگیرتر ملی رنگ می‌بازند یا، حداقل، ترقیق می‌شوند و بعضی دیگر، بالعکس، تشدید و تغلیظ می‌شوند. برای مثال، اقوام کرد، بلوچ و آذری‌ها در ایران، در مقایسه با اقوام دیگر، "سیاسی‌تر" هستند (احمدی، ۱۳۸۳)؛ و مشارکت قوم عرب نسبت به فارس در انتخابات در سطح ملی پایین بوده است (محمدی‌دوی، ۱۳۸۴). دوم اینکه، محققان پیشین به هر دو گونه عوامل مرکز گریز (دفعی) و مرکزگرا (جذب‌ی) توجه کرده‌اند. گروه اول، بر عواملی مانند "احساس محرومیت نسبی" (نواح و تقوی‌نسب، ۱۳۸۷؛ لهسایی‌زاده و دیگران، ۱۳۸۸؛ فکوهی و آموسی، ۱۳۸۸)؛ "احساس بی‌عدالتی از سوی دولت مرکزی" (حافظنیا و کاویانی، ۱۳۸۵)؛ "احساس تبعیض گروه‌های اقلیت قومی و وجود یک گروه قومی اقلیت در بیشتر از یک کشور" (ورشل و کوتانت، ۱۹۹۷) و "دسترسی کمتر قوم‌ها به پایگاه اجتماعی و منابع اجتماعی ارزشمند، احساس طرد گروه اقلیت و تجربه تبعیض قومی" (ناوارته و جنکینز، ۲۰۱۱) به عنوان مهمترین عوامل تشدید کننده هویت قومی و تضعیف کننده هویت ملی نام برده‌اند. در مقابل، عوامل "میراث فرهنگ ملی و گرایش دینی" (افروغ و احمدلو، ۱۳۸۱)؛ "احساس اشتراک دینی" (حافظنیا و کاویانی، ۱۳۸۵)؛ "سرمایه اجتماعی" (هزارجریبی و لهراسی، ۱۳۹۰) و "اولیای منصف و خیرخواه" (هو و دیگران^۶، ۱۹۹۶) به عنوان مهمترین عوامل گراینده به مرکز، وفاق اجتماعی و ملی معرفی شده‌اند. در راستای هدف این مقاله، و با توجه به اهمیت دین می‌توان گفت دین در بعضی جاها و در بین برخی گروه‌های قومی به عنوان نیروهای گریز از مرکز و ایجاد کننده نوعی شکاف جامعه‌ای عمل می‌کند (تفاوت‌های مذهبی)؛ بر عکس، در جاهایی نقش پیونددهنده، تقویت گرایش به مرکز و قطع

¹ Platform

² Anderson

³ Identification

⁴ Centrifugal Forces

⁵ Centripetal Forces

⁶ Navarrete & Jenkins

⁷ Huo et al

یک سو و فرآیندهای جهانی شدن و بین‌المللی‌گرایی، تحولات سیاسی در جوامع پیرامونی، به‌ویژه پس از فروپاشی اتحاد شوروی و اشغال دو کشور عراق و افغانستان و تهدیدهای مکرر دولت‌های بزرگ فرامنطقه‌ای از سوی دیگر است که تضاد و واگرایی اقوام و خرده فرهنگ‌های ایرانی مستقر و ساکن در جامعه کثیرالقوم و متنوع فرهنگی ایران و فاصله گرفتن آنها از سرزمین مادری را به نقطه مرکزی مسأله [انسجام و یکپارچگی جامعه‌ای] تبدیل کرده است (حاجیانی، ۱۳۸۸). بی‌شک، در این وضعیت، دین، در همه جهان و در کشور ما می‌تواند به عنوان یکی از مهمترین عوامل انسجام‌زا یا انسجام‌زدا عمل کند، زیرا بر خلاف جامعه‌شناسی اوایل قرن بیستم، که مرگ دین در آن نوعی خرد متعارف محسوب می‌شد (Inglehart, 2004: 3)؛ از دهه ۱۹۸۰، دین به عنوان سوژه و ابژه مبارزه در صف مقدم شکل‌های گوناگون کنش جمعی ظاهر و از تعیین‌کننده‌ترین جریان‌های سازنده عصر تاریخی ما شده است (Herbert, 2003: 3)؛ کاستلز، ۱۳۸۵: ۳۰).

بنابراین، می‌توان گفت: اول، دین مهمترین، یا دست کم یکی از مهمترین، عامل‌های وفاق و همبستگی [یا جدایی و شقاق] ملی در ایران (تاجیک، ۱۳۸۴؛ امان‌الهی، ۱۳۸۰) و در جهان بوده است (هانتینگتون، ۱۳۸۳: ۲۸)؛ دوم، وجود پیوندهای اساسی بین دین و سیاست در جهان معاصر غیر قابل انکار به نظر می‌رسد. تحلیل‌های مارکسیستی، نئومارکسیستی و حتی تئوری انتخاب عقلانی سیاست را علاوه بر رابطه آن با ساختارها و فرایندهای اقتصادی یا انگیزه‌های سود انگارانه، در پیوند با نگرش‌ها و ارزش‌هایی که تا حدی توسط ملاحظات دینی شکل گرفته‌اند و قوانین، قواعد و ارزش‌ها و باورهای دینی، تحلیل و تبیین می‌کنند؛ تا جایی که تأمل در مورد باورها، ارزش‌ها و عقاید اساسی مهم، شامل مسائل دینی و "پیوندهای بین دین و قومیت/ملی‌گرایی"، پس از سال‌ها کم و بی‌توجهی، به جایگاه مرکزی تحلیل و یکی از مهمترین وجوه زندگی عصر جدید تبدیل شده است (مویسر^۳، ۱۹۹۱). به

شکاف‌های دیگر را ایفا می‌کند؛ یعنی شکاف‌های قومی - ملی را قطع می‌کند (یکسانی مذهبی) و اجزای دولت یا ملت را به هم پیوسته نگه می‌دارد (حافظ‌نیا و کاویانی، ۱۳۸۵).

پیچیدگی دیگر مطالعه رابطه هویت‌های جمعی قومی و ملی به پیچیدگی و ابهام ادبیات نظری و تجربی مربوطه بر می‌گردد^۱. پیچیدگی و ابهامی که ناشی از تعاریف متفاوت از هویت جمعی (قومی یا ملی)، عدم وفاق درباره مهمترین و برجسته‌ترین عنصر/عناصر سازنده و تنوع مفهوم‌سازی و بررسی تجربی آنهاست. نظریه‌پردازان، این دو نوع هویت جمعی را در تقابل با هم، نامربوط یا متقابلاً تقویت‌کننده یکدیگر دانسته‌اند (لیو و آبراهام^۲، ۲۰۰۲). در حوزه تجربی، نیز، تحقیقات هزارجریبی و لهراسبی (۱۳۹۰)؛ افروغ و احمدلو (۱۳۸۱)؛ ربانی و دیگران (۱۳۸۸)؛ پاینده و جعفرزاده (۱۳۸۹)؛ مقدس جعفری و دیگران (۱۳۸۷)؛ اکوانی (۱۳۸۷) و رضایی و دیگران (۱۳۸۶) بیانگر وجود رابطه مثبت، هم‌افزا یا حداقل نبود تقابل و تضاد بین این دو هویت هستند. برعکس، تحقیقات مظفری (۱۳۸۱) و مقدس و حیدری (۱۳۸۷) حاکی از تقابل این دو نوع هویت جمعی و بیانگر ارجحیت هویت قومی نسبت به هویت ملی هستند. تحقیقاتی نیز رابطه میان هویت قومی و هویت ملی را در میان اقوام، متفاوت می‌دانند؛ به گونه‌ای که، رابطه میان قومیت و ملیت در میان گرها و آذری‌ها مثبت و مستقیم است و این دو متغیر همدیگر را تقویت می‌کنند؛ اما در میان کردها و اعراب این رابطه معکوس است (حاجیانی، ۱۳۸۸).

با وجود شرایط پیش گفته، بررسی رابطه هویت قومی و ملی و شناخت عوامل مؤثر بر آن رابطه، در عین مشکل بودن، در شرایط کنونی، حائز اهمیت است، زیرا علاوه بر ابهام نظری و تجربی در این حوزه، شرایط و زمینه‌های ساختاری، طبیعی و جغرافیایی و تنوع فرهنگی و قومی در کشور ما از

^۱ در خصوص بحث مفصل در خصوص این ابهام و پیچیدگی رک:

(Schwartz et al. 2011).

^۲ Liu & Abraham

^۳ Moyser

2011). شاید مهمترین علت این موضوع، سیطرهٔ تئوری دنیوی شدن بر ادبیات نظری مربوطه بوده است که نقشی حداقلی برای دین و دینداری (محدود به حوزه خصوصی) در پیوند و همبستگی ملی (فعال در حوزه عمومی) قائل بوده‌اند (Akoliyski, 2012). در اینجا، تنها، به ذکر چند مورد از این تحقیقات که مرتبط‌تر هستند، اشاره می‌شود. بر اساس تحقیق افروغ و احمدلو (۱۳۸۱)، در تبریز، افزایش گرایش به میراث فرهنگی ملی، گرایش دینی و گرایش سیاسی افراد باعث افزایش گرایش آنان به هویت قومی می‌شود. بر اساس تحقیق حافظ‌نیا و کاویانی (۱۳۸۵) پیرامون "نقش هویت قومی در همبستگی ملی قوم بلوچ"، بلوچ‌ها از نظر آداب، رسوم و هنجارها به شدت متأثر از دین اسلام هستند و یکی از مهمترین اشتراکات بلوچ‌ها با بقیهٔ مردم ایران، اشتراک دینی است. تفاوت مذهبی بلوچ‌ها باعث شده آنها در طول تاریخ در حاشیهٔ حیات سیاسی قرار بگیرند. بلوچ‌ها به سیاست دولت مرکزی با دیدهٔ شک می‌نگرند؛ حتی پس از پیروزی انقلاب اسلامی این احساس عدم اطمینان افزایش یافته است. آنها معتقدند دولت مرکزی به علت دین متفاوت مانع از رشد و ترقی اهل سنت؛ به‌ویژه بلوچ‌ها در سلسله مراتب اداری و اجرایی کشور و حتی استانی شده است.

این‌که توجه به عنصر دین اسلام در سطح ملی و منطقه‌ای می‌تواند افزایش میزان همگرایی در میان همه اقوام ایرانی را به دنبال داشته باشد، تحقیق حاجیانی (۱۳۸۸) در مورد "نسبت و رابطهٔ میان هویت قومی و هویت ملی در میان اقوام ایرانی" نشان داد در بعد فرهنگ ملی، بیشترین گرایش در نزد لرها، آذری‌ها، بلوچ‌ها، ترکمن‌ها، کردها و نهایتاً اعراب بوده است. گرایش به هویت ملی، در اکثر اقوام ایرانی، به جز در کردها و اعراب، بالاترین میانگین؛ اما تعلق به اجتماع ملی در میان اقوام لر، بلوچ، آذری و ترکمن قوی و در نزد کردها و عرب‌ها پایین‌تر از حد متوسط بوده است. از یافته‌های مهم تحقیق اینکه رابطهٔ میان قومیت و ملیت در تمام اقوام ایرانی یکسان نیست، به گونه‌ای که رابطهٔ میان قومیت و

تعبیر ویممر^۱ (۲۰۰۸) دین، در دوران کنونی، موجب شکل‌گیری نوعی شکاف مقوله‌ای و برجسته شده است که برجسته‌ترین و بیشترین پیامد را برای ساختار روابط سیاسی جوامع دارد؛ سوم، وجود حاکمیت دینی در ایران از دیگر موارد توجیه‌کنندهٔ بررسی نقش دینداری در رابطهٔ هویت قومی و ملی است، زیرا در صورت هم جهت بودن ارزش‌های دینی - سیاسی حاکم با ارزش‌های دینی یک گروه قومی، ایدئولوژی سیاسی یا مذهبی ارزش‌هایی را تجویز می‌کند که باعث می‌شوند ارزش‌های یک گروه قومی از دید افراد آن قوم مهمتر به نظر برسند و جوانان آن گروه قومی بتوانند به صورت مشخص‌تری اهداف و جهت خود را معین کنند (دریجه، ۲۰۰۶). در این راستا، مقاله حاضر سعی دارد به بررسی رابطهٔ هویت قومی و هویت ملی دانش‌آموزان متوسطه ساکن شهر یاسوج و نقش دینداری در این رابطه بپردازد. انتخاب جوانان از این لحاظ اهمیت دارد که این گروه در مرحلهٔ گذار از نوجوانی به جوانی هستند؛ همچنین، این دوره، دوره حساس هویت‌یابی و شکل‌گیری هویت محسوب می‌شود (مارشیا و اریکسون؛ به نقل از فکوهی، ۱۳۸۱). سؤال‌های اساسی مقاله عبارتند از: ۱- رابطهٔ هویت‌های قومی و ملی دانش‌آموزان متوسطه ساکن شهر یاسوج با یکدیگر چگونه است؟ ۲- دینداری پاسخگویان چه نقشی در نوع رابطهٔ این دو نوع هویت دارد؟

پیشینه تحقیق

تحقیقات داخلی و خارجی زیادی به بررسی رابطهٔ هویت قومی و ملی پرداخته‌اند؛ اما هیچ کدام مستقیماً به بررسی نقش دینداری در چگونگی رابطهٔ این دو نوع هویت توجه نکرده‌اند. می‌توان گفت هر چند رابطهٔ دینداری با هویت ملی به صورت تاریخی، مورد بحث قرار گرفته است؛ اما این رابطه به صورت تجربی و نظری کمتر بررسی شده است (Storm,)

¹ Wimmer

² Driedger

ملیت در میان لرها و آذری‌ها مثبت و مستقیم است و این دو متغیر همدیگر را تقویت می‌کنند. بالعکس، در میان کردها و عرب‌ها این رابطه معکوس است. تحقیق فکوهی و آموسی (۱۳۸۸) در مورد "هویت قومی جوانان ۱۵-۳۰ ساله شهر پیرانشهر" نشان داد احساس تعلق به هویت کردی در بین جوانان بسیار قوی‌تر از احساس تعلق به هویت ایرانی است. در حوزه مؤلفه‌های فرهنگی، کردها چندان بیگانگی‌ای با هویت ایرانی ندارند؛ اما در حوزه مؤلفه‌های سیاسی هویت ایرانی، کردها به شدت انتقاد دارند و تقریباً آن را از خود نمی‌دانند. تحقیق پاینده و جعفرزاده (۱۳۸۹) پیرامون "بررسی رابطه میزان هویت ملی و هویت قومی در بین جوانان دهشت" بیانگر مثبت و معنی‌دار بودن رابطه بین هویت قومی و هویت ملی بود و بین مؤلفه‌های میراث فرهنگی ملی و تمامی مؤلفه‌های هویت قومی همبستگی مثبت وجود داشت. با نفوذ میزان هویت قومی، هویت ملی نیز تا حدودی در بین افراد تقویت می‌شود و جوانان قوم لر دارای گرایش قوی به هویت ملی بوده، هر چند به هویت قومی نیز گرایش دارند.

نتایج تحقیق ویلیام (۱۹۹۱) برای بررسی تأثیر "عامل جداسازی"^۱ بر هویت‌یابی سیاسی اقوام هائوسایی^۲ آفریقای غربی ساکن در کرانه‌های مرزی کشورهای نیجر و نیجریه، نشان داد در هر دو منطقه، اسلام، قویترین هویت را برای هر دو گروه فراهم می‌کرد و از سوی ۸۸ درصد از پاسخگویان به عنوان اولین عامل هویت بخش انتخاب شد. هویت قومی تنها از سوی ۳۳ درصد از پاسخگویان در نیمه بالایی هویت‌های جمعی‌شان جای گرفت. بخش عمده‌ای از ساکنان هر دو روستا احساس نزدیکی با هاسایی‌های خارجی مسلمان داشتند تا با هموطنان مسیحی‌هاسایی‌شان.

کانوویچ^۳ (۲۰۰۶) تحقیقی کمی پیرامون میزان برجستگی مسیحیت برای هویت ملی در اروپا، بر اساس پیمایش اجتماعی بین‌المللی ۱۹۹۰، انجام داد. او پی برد اکثر اروپاییان،

دین را برای هویت ملی خود خیلی مهم در نظر نگرفتند، اما تفاوت‌های مهمی بین آنها وجود داشت. با بررسی بیشتر او پی برد که، در مواقع کنترل تنوع جمعیت غیر مسیحی، در کشورهایی که یک اقلیت مذهبی غیر مسیحی برجسته حضور دارد، نسبت‌های بیشتری از مردمی با هویت ملی مذهبی وجود دارد. محقق می‌گوید مسیحیت برای کشورهای اروپایی‌ای برجسته بود که دارای جمعیت‌های مسلمان زیادتری بودند؛ مگر جاهایی که جمعیت غیر مسیحی به عنوان یک کل دارای تنوع زیادی بودند. ریمت و کترین^۴ (۲۰۰۹) به بررسی نقش و سهم دین و دینداری در میزان آمریکایی "حقیقی" قلمداد شدن افراد و چگونگی واکنش آنان به مهاجران پرداختند. محققان پی بردند هر چند این ایده که شخص "حقیقتاً" آمریکایی در نظر گرفته شود، مستلزم مسیحی بودن است، در بین پاسخگویان مورد منازعه است؛ اما آمریکاییان در مقایسه با شهروندان سایر کشورهای دارای دموکراسی پیشرفته به این ایده باور داشتند. همچنین، دینداری و وابستگی مذهبی از منابع کلیدی نگرش نوین بودند. به نظر محققان مهمترین یافته تحقیق این است که روابط بین مسیحیت و آمریکایی بودن حقیقی و داشتن نگرش منفی نسبت به مهاجران، پس از حوادث ۹/۱۱ سپتامبر تشدید شده‌اند. آنها این ویژگی را به افزایش سطح تهدید احساس شده در بین توده‌ها از ۹/۱۱ سپتامبر می‌دانند که موجب برجستگی بیشتر مسیحیت، به عنوان ویژگی ضروری برای عضویت کامل در اجتماع ملی، شده است. این واقعیت که منبع این تهدید، تروریسم اسلامی رادیکال نام گرفته، تأثیر دین را تشدید کرده است. استورم^۵ (۲۰۱۱)، با استفاده از ترکیب دو روش کیفی و کمی (داده‌های پیمایش اجتماع بین‌المللی ۲۰۰۸ در بریتانیای کبیر، هلند، دانمارک و ایرلند) به بررسی رابطه وابستگی، باور و عمل مذهبی با نگرش‌های ضد مهاجرت و مسیحیت به عنوان عامل مهمی برای ملیت پرداخت. یافته اصلی او این بود که هویت‌یابی مسیحی، رابطه

نتایج تحقیق ویلیام (۱۹۹۱) برای بررسی تأثیر "عامل جداسازی"^۱ بر هویت‌یابی سیاسی اقوام هائوسایی^۲ آفریقای غربی ساکن در کرانه‌های مرزی کشورهای نیجر و نیجریه، نشان داد در هر دو منطقه، اسلام، قویترین هویت را برای هر دو گروه فراهم می‌کرد و از سوی ۸۸ درصد از پاسخگویان به عنوان اولین عامل هویت بخش انتخاب شد. هویت قومی تنها از سوی ۳۳ درصد از پاسخگویان در نیمه بالایی هویت‌های جمعی‌شان جای گرفت. بخش عمده‌ای از ساکنان هر دو روستا احساس نزدیکی با هاسایی‌های خارجی مسلمان داشتند تا با هموطنان مسیحی‌هاسایی‌شان.

کانوویچ^۳ (۲۰۰۶) تحقیقی کمی پیرامون میزان برجستگی مسیحیت برای هویت ملی در اروپا، بر اساس پیمایش اجتماعی بین‌المللی ۱۹۹۰، انجام داد. او پی برد اکثر اروپاییان،

⁴ Wrigmt & Citrin

⁵ Storm

¹ Partition Factor

² Hausa

³ Kunovich

متفاوت تمرکز می‌کنند که هویت در آنها می‌تواند به صورت فردی^۳، رابطه‌ای^۴، و جمعی^۵ تعریف شود. تمایز بین هویت‌های فردی، رابطه و جمعی می‌تواند تا حدی بر اساس تمایز فی مابین شکل‌های متفاوت محتوای هویت درک شود، اما آن همچنین به انواع متفاوت فرایندهایی اشاره دارد که هویت‌ها توسط آنها شکل می‌گیرند و با گذشت زمان حفظ یا تغییر می‌یابند. تئوری‌هایی که به ترتیب بر محتواهای فردی، رابطه‌ای یا جمعی هویت تمرکز می‌کنند، اغلب از طریق تمرکز هماهنگ‌شان بر فرایندهای فردی، رابطه‌ای یا جمعی شکل‌گیری و تغییر هویت مشخص می‌شوند (Schwartz et al. 3: 2011). هویت جمعی به عنوان نوع هویت مورد توجه این مقاله، به هویت‌یابی^۶ مردم با گروه‌ها و مقوله‌های اجتماعی که مردم به آنها تعلق دارند، معانی‌ای که به این گروه‌ها و مقوله‌های اجتماعی نسبت می‌دهند و احساسات، باورها و نگرش‌های ناشی از هویت‌یابی با آنها، اشاره دارد. رهیافت‌های نظری بررسی محتواهای هویت جمعی تمایل دارند بر فرایندهای جمعی تمرکز کنند؛ برای مثال، به بررسی این می‌پردازند که چگونه تغییرات تاریخی در زمینه‌های بین گروهی می‌توانند خود ادراکی‌های مردم را تحت تأثیر قرار دهند، یا به بررسی تغییرات جامعه‌ای گسترده‌تر می‌پردازند که اساس دگرگونی‌های تاریخی در معنای هویت‌های قومی، ملی یا جنسیتی هستند (Ibid: 4).

بدون شک، یکی از مهمترین تحولات تاریخی بنیادی دگرگونی رابطه دین با هویت‌های جمعی است، زیرا تعداد زیادی از اندیشمندان در پرتو تئوری دنیوی شدن، معتقد بودند با ظهور مدرنیته، گسترش سواد و محدود شدن نفوذ دین به قلمرو خصوصی زندگی، دین دیگر کارکرد همبستگی جمعی‌اش را از دست می‌دهد و ناسیونالیسم و ملی‌گرایی جای آن را می‌گیرد (Akaliyski, 2012). امروزه، با فروپاشی کمونیسم، و ظهور کشورهای جدید ناشی از فروپاشی آن، که

مثبتی با دیدن مهاجرت به عنوان تهدیدی برای هویت ملی داشت، اما به کلیسا رفتن رابطه منفی‌ای با نگرش‌های ضد مهاجرتی داشت. استورم نتیجه می‌گیرد که "مسیحیت" در مقایسه با ایمان می‌تواند به عنوان میراث فرهنگی ملی یا قومیت سفید پوستان شناخته شود. از این‌رو، آنانی که خودشان را مسیحی می‌دانند، احتمال بیشتری وجود دارد که ملی‌گراتر یا بیگانه‌تر باشند. آکالیسکی^۱ (۲۰۱۲) با به بررسی سهم شاخص‌های مورد توجه تئوری‌های دنیوی شدن^۲ (توسعه اقتصادی، مدرنیزاسیون، آموزش و شهرنشینی) و نظریه جایگزین (که بر اهمیت دین) در برجستگی هویت ملی کشورهای اروپایی پرداخت. نتایج تحلیل رگرسیون او نشان داد که عوامل تئوری‌های دنیوی شدن، اهمیت ناچیزی در پاسخگویی به این استدلال دارند که چرا تعدادی از ملت‌ها مذهبی‌تر از دیگران هستند، در حالی که مسیحیت بیشترین سهم را برای تبیین واریانس هویت ملی داشت. محقق می‌گوید، یافته‌های تحقیق بینی را در خصوص اهمیت دین در جوامع مدرن و پیش‌بینی توسعه‌های آینده فراهم می‌کنند که بر خلاف پیش‌بینی‌ها و آموزه‌های تئوری‌های دنیوی شدن است.

بر اساس تحقیقات پیشین: (۱) همه ابعاد هویت جمعی برای همه اقوام اهمیت یکسانی ندارند؛ (۲) در بررسی رابطه هویت ملی و هویت قومی، عامل یا عوامل افتراق و یا پیونددهنده اقوام با ملت یا جامعه گسترده‌تر مهم است و اینکه دین یکی از این مهمترین عوامل افتراق یا پیونددهنده در جامعه ایران و جهان محسوب می‌شود. برای مثال، مذهب شیعه عامل پیونددهنده قوم ترک و لر با هویت ملی، اما زبان وجه افتراق‌کننده آنهاست.

چارچوب نظری تحقیق

رهیافت‌های موجود هویت نوعاً بر یکی یا بیشتر از سه سطح

³ Individual

⁴ Relational

⁵ Collective

⁶ Identification

¹ Akaliyski

² Secularization

دارای میراث فرهنگی و تبارشناختی مشترک، مورد تمجید و ستایش قرار می‌دهد. در جاهایی دیگر اصطلاح‌های ملی‌گرایی "ارگانیک" و "اراده‌گرایانه" به جای اصطلاحات فوق به کار رفته‌اند. در نوع فرهنگی یا ارگانیک ملی‌گرایی، معیارهای قومی و زبانی ملاک تعلق داشتن به ملت هستند و اختیار افراد برای انتخاب ملیت‌شان محدود است. از طرف دیگر، در نوع اراده‌گرایانه یا مدنی، تبدیل شدن به عضوی از یک ملت از طریق استقرار در قلمرو آن، احترام گذاشتن به قانون ملی آن کشور و حصول شهروندی امکان‌پذیر است (Storm, 2011: 13).

چنانکه گفته شد، تمایزات فوق ایده‌آل تاپپی هستند، زیرا شرایط، تحولات و زمینه‌های فرهنگی و تاریخی متفاوت می‌تواند به برجستگی یکی از آنها کمک کند؛ برای مثال، بارکر می‌گوید دین برای شکل‌گرایی ملت و احساس ملی‌گرایی، زمانی مهمترین است که آن نوعی هویت تمایزبخش را فراهم می‌کند. همچنین، ملی‌گرایی مذهبی در کشورهایی برجسته‌تر است که جبهه‌های^۵ مذهبی دارند و دارای مرزهای جغرافیایی با کشورها یا مناطقی‌اند که دین اکثر آنها متفاوت است و به‌ویژه، آن کشورها تهدیدی برای امنیت ملی‌شان محسوب می‌شوند (Barker, 2005: 22). کینوال در این خصوص می‌گوید، اگر دین یکی از عوامل هویتی باشد که از سوی همسایگان تهدیدآمیز، تهدید می‌شود، تضاد بالقوه احتمالاً به عنوان "تضاد مذهبی" چارچوب‌بندی می‌شود، اما این نباید به این نتیجه‌گیری گمراه‌کننده بینجامد که دین علت این تضاد است، بلکه در چنین مواردی، دین صرفاً امن‌ترین پایه را برای حفظ یک هویت اجتماعی به طور مثبت ارزیابی شده فراهم می‌کند، و آن اغلب خط‌گسلی را عرضه می‌کند که در امتداد آن رقابت هویتی بین گروهی رخ می‌دهد (Kinvall, 2004: 342). شواهد دیگر برای ادعاهای مربوط به برجسته شدن پیوند دین و هویت ملی در مواقع تهدید، ملی‌گرایی دین‌بنیاد اروپای مرکزی و شرقی پس از افول کمونیسم (Voicu, 2012) و افزایش روزافزون اهمیت دین و دینداری به عنوان مبنای هویت ملی در آمریکای بعد از یازدهم سپتامبر است؛ آمریکایی که نماد

اغلب هویت ملی‌شان پایه دینی دارد (کشورهای لهستان، صربستان، کروواسی و بوسنی هرزگوین) و ظهور و گسترش قابل توجه جنبش‌های دینی در سراسر جهان، نقش و اهمیت دین در ظهور کنش‌های جمعی و انسجام یا اضمحلال جامعه‌ای به صورت روزافزونی مورد توجه قرار گرفته است. هاستینگز^۱ از محدود تاریخدانانی است که به بررسی رابطه دین و ملت بودگی در بریتانیا پرداخته است. به نظر وی، "هر چند نقش دین در رابطه‌اش با ساخت ملیت‌ها و قومیت‌ها فراتر از یک وجه واحد بوده است؛ اما شناسایی نقش آن برای این تاریخ اساسی، فراگیرتر و شاید تعیین‌کننده باشد." (Hastings, 1997: 2). به نظر استورم، سه طریق اصلی برای تشخیص تقاطع و همپوشی‌های هویت‌های ملی و دینداری وجود دارد: اول، شناخت شباهت‌های ساختاری و ایدئولوژیک بین دینداری و هویت‌های ملی؛ دوم، توانایی دین به عنوان یکی از چندین عامل حمایت‌کننده ملی‌گرایی فرهنگی؛ سوم، توانایی پی بردن به رابطه تقابلی تا تکمیلی دین و ملی‌گرایی (Storm, 2011: 7).

ارزیابی دقیق‌تر پیوند دینداری و هویت ملی، مستلزم تفکیک و توجه به دو نوع ملی‌گرایی است که جایگاه دین و دینداری در هر دوی آنان یکسان نیست: ملی‌گرایی‌های فرهنگی^۲ و ملی‌گرایی‌های مدنی^۳. هر چند این تقسیم‌دوتایی نوعی ساده‌سازی محسوب می‌شود، با وجود این، آنها به یک تفاوت مفهومی مهم اشاره دارند که نه تنها بیانگر ایدئولوژی‌های ملی‌گرایی متفاوت، بلکه نشانه تعاریف متفاوت از "ملت" هستند. مفهوم مدنی ملت، که در شکل ایده‌آلی‌اش با دولت مدرن و روشنگری فرانسه همراه است، عناصر شهروندی، محل سکونت و فرهنگ سیاسی را برای هویت‌یابی ملی مهم می‌داند. در نقطه مقابل، دریافت‌های فرهنگی ملی‌گرایی، اساساً با سنت روماتیک آلمانی هردر^۴ و دیگران همراه است، که ملت را به عنوان جماعتی از مردم

¹ Hastings

² Cultural Nationalism

³ Civic Nationalism

⁴ Herder

کشورهایی شناخته می‌شود که بنیادِ هویت ملی‌شان مبتنی بر ویژگی‌های صرفاً "مدنی" است (Wright & Citrin, 2009: 6).

بدین ترتیب، ایدئولوژی ملی‌گرایی پدیده‌ای ایستا نیست و تحولش به شدت تحت تأثیر عوامل زمینه‌ای قرار می‌گیرد که ممکن است آن را از ملی‌گرایی قومی به ملی‌گرایی مدنی و برعکس تغییر دهد. برجسته شدن هر یک از ملی‌گرایی‌های فرهنگی یا مدنی، به تاریخ سیاسی - اجتماعی کشور (Voicu, 2012)، نوع مذهب و دین مورد قبول اکثریت افراد جامعه و ویژگی‌های دولت حاکم که به مثابه نوعی منبع هویت "مرکزگرا" (از طریق تضعیف منافع گروهی "مرکز گریز") در درون مرزهایش عمل می‌کند (Wright & Citrin, 2009) و تنوع جمعیت مذهبی و قومی در کشور (Krunovich, 2006) بستگی دارد. به تعبیر لامونت^۱، ساخت هویت جمعی "رابطه‌ای"^۲ است، نه ذاتی و ساختن آن متأثر از منابع فرهنگی^۳ در دسترس مردم و زمینه ساختاری محل زندگی آنهاست (Lamont, 2006)، اما همه منابع فرهنگی موجود وزن و اهمیت تاریخی و جغرافیایی یکسانی در ایجاد و شکل‌گیری هویت جمعی ندارند. به تعبیر کاستلز، هویت، فرایند معنا سازی بر اساس یک ویژگی فرهنگی یا مجموعه‌ای به هم پیوسته‌ای از ویژگی‌های فرهنگی [است] که بر منابع فرهنگی دیگر اولویت داده می‌شود (کاستلز، ۱۳۸۵: ۲۳-۲۴).

در ایران، دین از دیرباز نقشی اساسی در شکل‌گیری هویت ملی و انسجام جامعه‌ای داشته است. به تعبیری، دین، از مهمترین عامل‌هایی است که کارکردش انسجام بخشیدن جامعه چند قومیتی ایران است و مذهب نقش مسلطی در توصیف و تحکیم وحدت ملی ایران دارد (حاجیانی، ۱۳۸۸: ۱۲۸). از طرف دیگر، نباید از پتانسیل انسجام‌زای آن برای بعضی از اقوام غیر مسلمان یا غیر شیعه غافل بود [۱]. بعلاوه، حکومت جمهوری اسلامی خودش را نماینده و انتشار دهنده ارزش‌های اسلامی می‌داند و از انتشار نمادهای مذهبی به عنوان پایه‌های اصلی تحکیم وحدت ملی استفاده می‌کند.

¹ Lamont

² Relational

³ Cultural Repertoire

مهمتر اینکه، شرایط سیاسی - اجتماعی جامعه ما در جهت شکل‌گیری ملی‌گرایی مدنی نبوده است [۲]. سرانجام اینکه، دو عنصر فرهنگی دین و زبان بیش از دیگر عناصر در تعیین هویت قومی در ایران دخالت دارند (امان‌اللهی، ۱۳۸۰: ۱۹). به دلایل بالا می‌توان گفت، استفاده از ملاک‌های مورد نظر رویکرد ملی‌گرایی فرهنگی، به‌ویژه دین، مناسبت بیشتری برای بررسی و تبیین وضعیت هویت ملی در جامعه ما دارد. در این گونه ملی‌گرایی، هویت‌یابی ملی به عوامل "طبیعی"^۴ پایه‌ای مانند زبان، دین یا خاستگاه‌های قومی مشترک واگذار می‌شود. نکته مهم این است که قوم لر از نظر دینی (مذهب شیعه) و خاستگاه تباری با اکثریت ایرانی اشتراک دارد؛ اما مهمترین وجوه متمایزکننده آنان از جامعه بزرگتر، ویژگی‌های طبیعی دیگری مانند زبان و نامی (لر) است که بر آنها اطلاق شده است. به عبارتی از نظر دین و مذهب با جامعه بزرگتر همبسته هستند، اما از نظر زبان و همبستگی مبتنی بر اسم (لرها) از جامعه بزرگتر متمایزند. بنابراین، با بررسی هویت قومی و ملی افراد ساکن شهر یاسوج و بررسی نقش دینداری در این رابطه، می‌توان تا حدودی به تأثیر دینداری در پیوند دادن این گروه قومی به جامعه بزرگتر پی برد. فرضیه‌های اصلی مقاله شامل موارد زیر هستند:

- بین جنس و میزان پایبندی پاسخگویان به هویت قومی و هویت ملی رابطه معنی‌داری وجود دارد.
- بین میزان دینداری پاسخگویان و هویت قومی آنان رابطه معنی‌داری وجود دارد.
- بین میزان دینداری پاسخگویان و هویت ملی آنان رابطه معنی‌داری وجود دارد.
- بین میزان هویت قومی و هویت ملی پاسخگویان رابطه معنی‌داری وجود دارد.

روش‌شناسی پژوهش

رویکرد و روش مورد استفاده مقاله، به ترتیب، کمی و پیمایشی بوده و از ابزار پرسشنامه برای جمع‌آوری اطلاعات

⁴ Natural

اجتماعی و سنت‌های مشترک‌اند (ابوطالبی، ۱۳۷۹؛ به نقل از حافظ‌نیا و کاویانی، ۱۳۸۵). در ایران، عناصر فرهنگی، به‌ویژه دو عنصر زبان و دین بیش از عناصر دیگر در تعیین هویت قومی دخالت دارند (امان‌اللهی، ۱۳۸۰: ۱۹). افراد یک قوم خود را "خودی"^۳ و دیگران را "غریبه"^۴ می‌دانند که دارای باورها و کردارهای فرهنگی مشخصی هستند (ساندرز، ۲۰۰۲). هویت قومی را می‌توان سنت مشترک و احساس هویتی تعریف کرد که یک قوم را به عنوان گروهی فرعی از جامعه بزرگتر مشخص می‌کند و اعضای هر گروه قومی از لحاظ ویژگی‌های خاص فرهنگی خود را از سایر اعضای جامعه متمایز می‌داند (داوری، ۱۳۷۶: ۴۴).

قوم لر: قوم لر به واسطه تبار مشترک (الطائی، ۱۳۷۸: ۲۰۳) و دین، به‌ویژه مذهب تشیع و میراث فرهنگی مشترک، مانند دلبستگی به اشعار شاهنامه، با جامعه بزرگتر انسجام می‌یابند، اما زبان یا گویش لری، همبستگی قومی قوی و نامی (لرها) که این قوم دارد، آنها را از جامعه بزرگتر ایرانی جدا می‌سازد. یکی از ابهام‌آمیزترین مسائل مربوط به همبستگی قوم لر با جامعه گسترده‌تر تا کنون بررسی علمی نشده است. این‌که کدام یک از وجوه افتراق بخش (زبان، نام و همبستگی قومی) یا انسجام بخش آنان با جامعه بزرگتر (دین و مذهب)، در رابطه بین دو نوع هویت قومی و ملی آنان برجسته‌تر و تأثیرگذارترند؟ پیچیدگی مسأله زمانی است که دو عامل پیوند خونی و دین اهمیت یکسانی در بین این قوم دارند، زیرا ۴۰ درصد الگوهای فرهنگی قوم لر به پیوندهای تباری و خونی گروه و به همان نسبت (یعنی ۴۰ درصد) نیز به آیین‌هایی اختصاص دارد که پیوند و ارتباط آنها را با دنیای فراطبیعی و الهی تقویت می‌کند. بنابراین، لرها در میان تمام گروه‌های قومی ایران، تنها قومی هستند که جمعیتی کثیر داشته و دو محور هویت تباری و مذهبی را به طور هم‌عرض حفظ می‌کنند (حسین‌زاده، ۱۳۸۰: ۵۹).

هویت ملی: ملت گروه اجتماعی بزرگی است که نه با

مورد نظر استفاده شده است. جامعه آماری، دانش‌آموزان متوسطه شهر یاسوج [۳] در سال تحصیلی ۹۰-۱۳۸۹ هستند که بر اساس سرشماری سال ۱۳۸۵، ۱۶۴۰۰ نفر بودند. از این تعداد، بر اساس جدول لین، ۳۸۰ نفر به عنوان نمونه تحقیق انتخاب شدند. برای نمونه‌گیری، از روش خوشه‌ای چند مرحله‌ای تصادفی استفاده شد. متغیرهای مستقل و وابسته مقاله، به ترتیب، هویت قومی، دینداری و هویت ملی (وابسته) بوده‌اند. ارزیابی هویت قومی و هویت ملی پاسخگویان از طریق گویه‌هایی مجزا صورت گرفت، زیرا در پرتو سنجش مستقل هویت‌های قومی و ملی امکان شناسایی هر گونه رابطه‌ای بین آنها وجود دارد (از رابطه منفی تا هیچ‌گونه رابطه تا رابطه مثبت) (گنگ^۱، ۲۰۰۷). دینداری نیز در چهار بعد اعتقادی، عاطفی، مناسکی و پیامدی تعریف و ارزیابی شد. سنجش هر سه متغیر فوق با گویه‌هایی از طیف لیکرت و اعتبار و پایایی گویه‌ها، نیز از طریق اعتبار صوری و آزمون پایایی آلفای کرونباخ صورت گرفت. ضریب آلفای مربوطه در جدول ۱ ارائه شده است.

تعریف مفاهیم

هویت قومی: مرزهای قومی، الگوهای تعامل اجتماعی و تمایزات گروهی هستند که بر اساس خود تعریفی اعضای درون گروه و تأیید بیرونی‌ها بر ساخته می‌شوند. گروه‌های قومی بر اساس معیارهای متفاوتی تعریف می‌شوند، اما اکثر آنها بر دو عنصر فرهنگی و جغرافیایی تأکید دارند. مرزبندی‌های قومی به مثابه رسانه‌های اجتماعی^۲ که واسطه رابطه افراد هستند، بهتر فهمیده می‌شوند تا مرزبندی‌های سرزمینی (ساندرز، ۲۰۰۲). قوم را سازمان اجتماعی شکل یافته‌ای تعریف می‌کنند که بر پهنه سرزمینی معینی قرار دارد و شامل مردمی است که در طول تاریخ با هم پیوندهای اقتصادی، فرهنگی، خویشاوندی و برقرار کرده‌اند، دارای زبان، ویژگی‌های فرهنگی، پیوندهای خویشاوندی، ارزش‌های

³ Insiders

⁴ Outsiders

¹ Gong

² Social Media

یک پیوند عینی، بلکه با ترکیبی از چندین نوع رابطه عینی (اقتصادی، سیاسی، زبانی، فرهنگی، مذهبی، جغرافیایی و تاریخی) و بازتاب ذهنی این پیوندها در آگاهی جمعی قوام یافته باشد. ممکن است پاره‌ای از این پیوندها در فرایند شکل‌گیری ملت نقش خصوصاً مهمی داشته باشد، در حالی‌که در فرآیندی دیگر بیش از یک نقش جانبی ایفا نکنند (هروک، ۱۳۸۶: ۱۰۹-۱۱۰)؛ برای مثال، مبنای اقدامات حکومت پهلوی در زمینه مسائل قومی، فارس‌گرایی افراطی و تمایلات شدید پان‌ایرانیستی با تکیه بر زبان فارسی و هویت و فرهنگ ایران قبل از اسلام و اسطوره‌آرایی بود. در دوره کنونی، عوامل مسلط در توصیف و تحکیم وحدت ملی، مذهب شیعه و زبان فارسی تلقی شده است (حاجیان، ۱۳۸۷). در علوم اجتماعی، زبان مشترک، دین مشترک و آداب و سنن مشترک عناصر اصلی هویت ملی محسوب می‌شوند (احمدلو و افروغ، ۱۳۸۱). در کشورهای اسلامی و ایران، دین یکی از عناصر عمده و تاریخی هویت ملی است که ارزش‌های زنده یک جامعه را در بر می‌گیرد. دین اسلام، دین رسمی کشور ایران است که دین ۹۹/۵ درصد مردم ایران بوده و از آن میان حدود ۹۰ درصد شیعه هستند (حافظ‌نیا، ۱۳۷۹). در حقیقت، ایران منهای دین اسلام و منهای تشیع، فاقد بخشی از هویت واقعی خویش است، زیرا تشیع با تمام ارکان فکری و فرهنگی این جامعه ارتباط دارد (توسلی، ۱۳۷۲: ۲۴۲). با استعانت از استعاره ایگلتون و تمایز بین [۴] فرهنگ Culture و فرهنگ culture می‌توان گفت دین در جامعه ایران به عنوان فرهنگ و چتری فراگیر عمل می‌کند که دیگر ویژگی‌های فرهنگی قومی (مانند زبان، مذهب، ارزش‌های قومی)، به عنوان عامل تمایز بخش آنان، متأثر از آن چتر فراگیرند. به عبارتی، دین مهمترین، حداقل یکی از مهمترین، مؤلفه‌های به وجودآورنده وفاق فرهنگی-اجتماعی در جامعه کنونی ایران محسوب می‌شود که می‌تواند مانند تار ضخیم عمل کند که دیگر عناصر فرهنگی متفاوت و متمایز جزئی به سان پودهایی دور آن تنیده می‌شوند و گونه‌ای "کثرت در وحدت" را شکل می‌دهند.

دینداری: بر سر تعریف دین نیز وفاق وجود ندارد و

برخی از دانشمندان از "برج بابل تعریف‌ها" سخن گفته‌اند (ویلیم، ۱۳۷۷). دین را به طور بسیار کلی، مجموعه‌ای از "اعتقادات"، "احساسات" و "اعمال" (فردی-جمعی) تعریف می‌کنند که حول مفهوم حقیقت غایی (یا امر قدسی و متعالی) سامان یافته است. دین، دست کم سه جزء اساسی دارد: ۱- "تجربه و احساس دینی" به منزله نوعی حالت و وضعیت وجودی خاص که انسان در مواجهه با امر قدسی پیدا می‌کند؛ ۲- "اعتقادات دینی" که ناظر به تجربه و احساسات دینی است؛ ۳- "عمل دینی" که مسبوق به اعتقادات دینی و معطوف به حصول تجربه دینی است. برای سنجش دینداری نیز اختلاف نظر وجود دارد. از پرکاربردترین مقیاس‌های سنجش دینداری، مقیاس پنج بعدی گلاک و استارک است که به ترتیب، ابعاد اعتقادی، مناسکی، عاطفی، فکری و پیامدی هستند. بعد اعتقادی، باورهایی است که انتظار می‌رود پیروان یک دین به آنها اعتقاد داشته باشند. بعد مناسکی شامل رفتارهای دینی مشخصی، همچون نماز، روزه، نیایش‌ها، شرکت در آیین‌های خاص و مانند آنهاست. بعد تجربی، ناظر به عواطف، تصورات و احساسات مربوط به داشتن رابطه با جوهری ربوبی، همچون خداوند یا واقعیتی یا اقتداری متعالی است. بعد پیامدی، ناظر به آثار باورها، اعمال، تجربه‌ها و دانش دینی بر زندگی روزمره پیروان است (طالبان، ۱۳۹۰: ۹۴-۹۶). در این تحقیق چهار بعد فوق (منهای بعد فکری) به عنوان مبنای سنجش دینداری پاسخگویان در نظر گرفته و از طریق گویه‌هایی با طیف لیکرت ارزیابی شدند.

یافته‌های پژوهش

از کل نمونه، ۵۷/۵ درصد زن، ۴۲/۵ درصد مرد (بیشتر بودن تعداد زنان به علت بیشتر بودن دانش‌آموزان دختر در جامعه آماری است)؛ ۱۶/۸ درصد کلاس اول، ۲۴/۲ درصد دوم، ۳۳/۲ درصد سوم متوسطه و ۲۵/۸ درصد پیش‌دانشگاهی بوده‌اند. در بین دانش‌آموزان بالاتر از اول دبیرستان، ۳۰/۴ درصد ریاضی فیزیک، ۳۳/۵ درصد علوم تجربی و ۱۹/۳ درصد علوم انسانی؛ ۹۳/۸ درصد از پاسخگویان لر، ۴/۶ درصد

پاسخگویان (۶۲/۷۰) بالاتر از میانگین هویت قومی آنان است. بالاتر بودن مقدار میانه نسبت به میانگین، بیانگر این است که بیشتر نمرات به سمت راست نمودار طبیعی تراکم یافته‌اند و مقدار این گرایش برای هویت ملی بیشتر از هویت قومی است. در بین ابعاد دینداری، نیز، بالاترین میانگین به بعد اعتقادی دینداری و کمترین میانگین به بعد مناسکی مربوط می‌شود.

فارس و ۱/۵ درصد ترک و کرد بوده‌اند. محل تولد ۲۹/۴ درصد شهرستان، ۵۴/۱ درصد مرکز استان و ۱۶/۵ درصد روستا بوده است.

آماره‌های جدول ۱ بیانگر تعداد گویه‌ها، ضریب آلفای مربوط به متغیرهای هویت قومی، ملی و ابعاد دینداری و میانگین و انحراف معیار آنان است. بر اساس جدول، ضریب آلفای همه متغیرها بالاتر از ۶۰ درصد و میانگین هویت ملی

جدول ۱- تعداد گویه‌ها، ضریب آلفای کرونباخ، میانگین و انحراف استاندارد متغیرهای تحقیق

متغیرها	تعداد گویه‌ها	آلفای کرونباخ	میانگین	انحراف استاندارد	میانه	مد
هویت قومی	۱۵	.۶۸	۴۹/۸۴	۸/۲۳	۵۱	۵۲
هویت ملی	۱۶	.۷۸	۶۲/۷۰	۹/۵۱	۶۴	۶۴
اعتقادی	۹	.۶۲	۳۷/۰۸	۴/۹۲	۳۷	۳۷
ابعاد عاطفی	۵	.۷۲	۲۰/۵۱	۳/۹۶	۲۱	۲۵
دینداری مناسکی	۶	.۶۳	۱۸/۶۷	۵/۰۶	۱۹	۱۹
پیامدی	۸	.۶۷	۲۷/۰۱	۶/۳۲	۲۷	۲۲

به میزان پایینی از هویت ملی برخوردارند (۱۶/۸ درصد) بیشتر از درصد افراد مربوط به همین مقوله از هویت قومی (۱۳/۷ درصد) است؛ از طرف دیگر، ۲۰/۱ درصد از دانش‌آموزان هویت ملی بالا و در مقابل ۱۶ درصد از آنان هویت قومی بالایی دارند. بر اساس توزیع درصدی پاسخگویان، به ترتیب، ۸۳/۲ و ۸۶/۴ درصد از پاسخگویان هویت ملی و قومی متوسط به بالایی دارند.

داده‌های جدول ۲ به توزیع فراوانی و درصدی پاسخگویان، بر اساس میزان هویت ملی، هویت قومی و میزان دینداری آنها مربوط است. بر اساس جدول، در ابعاد دینداری، در مقوله پایین، کمترین درصد، به ترتیب، به ابعاد پیامدی (۱۴/۷) و اعتقادی (۱۷) مربوط است. برعکس، در مقوله بالا، بیشترین درصد، به ترتیب، به ابعاد عاطفی (۳۰/۷) و پیامدی (۲۱/۹) تعلق دارد. اما ناهمگونی در هویت جمععی دانش‌آموزان بیشتر است، زیرا از یک طرف، درصد آنانی که

جدول ۲- توزیع فراوانی و درصدی پاسخگویان بر اساس میزان هویت جمععی و دینداری آنان

متغیر	ابعاد دینداری		هویت جمععی									
	اعتقادی	عاطفی	مناسکی	پیامدی	ملی	قومی						
	درصد فراوانی	درصد فراوانی	درصد فراوانی	درصد فراوانی	درصد فراوانی	درصد فراوانی						
پایین	۱۷	۷۳	۱۸/۸	۶۸	۱۷/۵	۵۷	۱۴/۷	۶۵	۱۶/۸	۵۳	۱۳/۷	
متوسط	۲۳۸	۶۱/۳	۱۹۶	۵۰/۵	۲۴۹	۶۴/۲	۲۴۶	۶۳/۴	۲۴۵	۶۳/۱	۲۷۳	۷۰/۴
بالا	۸۴	۲۱/۶	۱۱۹	۳۰/۷	۷۱	۱۸/۳	۸۵	۲۱/۹	۷۸	۲۰/۱	۶۲	۱۶

فرضیه اول: بین جنس و هویت ملی و هویت قومی پاسخگویان رابطه وجود دارد. همان‌طور که داده‌های جدول ۳ نشان می‌دهد، از نظر پایداری به هویت قومی میان زنان و مردان تفاوت معنی‌داری وجود دارد؛ بدین ترتیب که زنان با میانگین (۵۰/۵۴)، به نسبت مردان با میانگین (۴۸/۸۹)،

پایداری بیشتری به هویت قومی‌شان دارند، اما از نظر پایداری به هویت ملی، تفاوت معنی‌داری بین زنان و مردان وجود ندارد؛ هر چند میانگین نمره هویت ملی زنان بالاتر از مردان است.

جدول ۳- آزمون رابطه میان جنس و هویت قومی و ملی پاسخگویان

Sig	T	Leven's Test	انحراف	میانگین	فراوانی	جنس	هویت
.۰۵	۱/۹۶	.۲۵	۷/۷۴	۵۰/۵۴	۲۲۳	زن	قومی
			۸/۷۷	۴۸/۸۹	۱۶۵	مرد	
.۰۶	۱/۸۵	.۰۶	۸/۸۰	۶۳/۴۶	۲۲۳	زن	ملی
			۱۰/۳۳	۶۱/۶۶	۱۶۵	مرد	

فرضیات ۲- ۴ تحقیق: برای ارزیابی فرضیات دوم تا چهارم تحقیق (رابطه هویت قومی با هویت ملی و رابطه ابعاد دینداری با هویت قومی و هویت ملی) از آزمون ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد (جدول ۴). بر اساس نتایج آزمون، در بین ابعاد دینداری تنها همبستگی بعد پیامدی دینداری با هویت قومی پاسخگویان معنی‌دار است (۰/۱۱)؛ اما همه ابعاد دینداری همبستگی معنی‌داری با هویت ملی پاسخگویان داشته‌اند. در این میان، ابعاد پیامدی، اعتقادی و عاطفی، به ترتیب، بالاترین همبستگی مستقیم و مثبت را با هویت ملی داشته‌اند. علاوه بر معنی‌دار بودن، مقدار

همبستگی‌های ابعاد دینداری با هویت ملی بسیار بیشتر از همبستگی بعد پیامدی دینداری با هویت قومی است. همچنین، همبستگی دو متغیر هویت قومی و هویت ملی نیز مستقیم و مثبت بوده است (۰/۱۳). نتایج آزمون نشان می‌دهد دینداری ارتباط یکسانی با هویت‌های جمعی مختلف ندارد و هر چند دینداری می‌تواند زمینه تحکیم و همبستگی ملی را فراهم آورد، اما در تحکیم یا تضعیف هویت قومی پاسخگویان لری تأثیر چندانی نداشته است (البته، این نتیجه‌گیری مستلزم بررسی و تحقیق بیشتر است).

جدول ۴- همبستگی دو متغیره متغیرهای تحقیق با یکدیگر و با متغیر وابسته

هویت قومی	هویت ملی	اعتقادی	عاطفی	مناسکی	پیامدی
۱					
هویت قومی	۱				
هویت ملی	.۱۳**	۱			
اعتقادی	.۰۰۸	.۲۷**	۱		
عاطفی	.۰۶	.۲۷**	.۶۴**	۱	
مناسکی	.۰۰۵	.۲۰**	.۲۶**	.۳۴**	۱
پیامدی	.۱۱**	.۳۰**	.۳۹**	.۳۶**	.۳۷**

* در سطح ۹۵ درصد معنی‌دار است.

** در سطح ۹۹ درصد معنی‌دار است.

جدول ۶- آزمون رگرسیون چند متغیره ابعاد دینداری با هویت ملی با

شیوه ورودی

نام متغیر	B	Beta	t	Sig	R	Adj.R ²
اعتقادی	.۲۷	.۱۴	۲/۲۱	.۰۲	.۳۷	.۱۴
عاطفی	.۱۹	.۰۸	۱/۲۷	.۲۰		
دینداری	.۱۵	.۰۷	۱/۴۹	.۱۳		
پیامدی	.۲۹	.۱۹	۳/۵۱	.۰۰۰		

a=۳۷/۹۳

رگرسیون چند متغیره هویت ملی بر اساس ابعاد

دینداری و هویت قومی: برای ارزیابی تأثیر همزمان ابعاد دینداری و هویت قومی بر هویت ملی، آزمون رگرسیون جداگانه‌ای با شیوه گام به گام انجام شد. تفاوت این آزمون با آزمون قبلی، ورود متغیر هویت قومی به معادله رگرسیون و استفاده از شیوه رگرسیون گام به گام^۲ به جای شیوه همزمان است. بر اساس نتایج آزمون (جدول ۷)، متغیرهای بعد اعتقادی، بعد عاطفی و هویت قومی در معادله رگرسیون باقی مانده و توانسته‌اند ۱۵ درصد از واریانس هویت ملی پاسخگویان را تبیین کنند. بر اساس ضرایب بتا، تأثیر هر سه متغیر بر هویت ملی مثبت بوده؛ اما بعد اعتقادی با داشتن ضریب بتای (۰/۲۱) بیشترین تأثیر مثبت را بر افزایش هویت ملی پاسخگویان داشته است. بر اساس مقدار ستون مربوط به $Adj.R^2$ می‌توان گفت هویت قومی پاسخگویان توانسته است به مقدار ۲ درصد ضریب تبیین معادله را افزایش دهد که مقدار ناچیزی محسوب می‌شود.

جدول ۷- آزمون رگرسیون چند متغیره ابعاد دینداری و هویت قومی با

هویت ملی

نام متغیر	R	Adj.R ²	B	Beta	t	Sig
اعتقادی	.۳۱	.۰۹	.۳۴	.۲۱	۴/۱۸	.۰۰۰
دینداری	.۳۶	.۱۳	.۳۸	.۱۹	۳/۶۹	.۰۰۰
هویت قومی	.۳۷	.۱۵	.۱۲	.۱۱	۲/۲۶	.۰۲

a=۳۳/۸۷

آزمون همبستگی جزئی: برای ارزیابی دقیق میزان

تأثیرپذیری همبستگی هویت قومی و ملی از ابعاد دینداری، ضریب همبستگی جزئی محاسبه شد. بر اساس نتایج آزمون (جدول ۵)، مقدار همبستگی دو متغیر هویت قومی و هویت ملی قبل و بعد از کنترل ابعاد دینداری پاسخگویان تفاوت چندانی نکرده است. تنها، با کنترل ابعاد اعتقادی و پیامدی دینداری، مقدار همبستگی به اندازه ۲ درصد کاهش یافته است. علی‌رغم کم بودن مقدار فوق، می‌توان گفت، تأثیر ابعاد اعتقادی و پیامدی دینداری بر تقویت همبستگی ملی پاسخگویان بیشتر از دو بعد دیگر بوده است و این یافته تا حدی مؤید فرضیه نظری تحقیق است که سرمایه فرهنگی مشترک می‌تواند زمینه انسجام ملی را در بین قومیت‌ها تحکیم بخشد.

جدول ۵- ضریب همبستگی جزئی هویت قومی و هویت ملی قبل و

بعد از کنترل ابعاد متغیر دینداری

هویت ملی	قبل از کنترل	هویت قومی	بعد از کنترل
اعتقادی	.۱۳**	.۱۱*	.۱۲**
عاطفی	.۱۳**	.۱۱*	.۱۳**
پیامدی	.۱۳**	.۱۱*	.۱۱*

آزمون رگرسیون چند متغیره: به علت معنادار نبودن

همبستگی ابعاد دینداری با هویت قومی پاسخگویان (به جز بعد پیامدی)، آزمون رگرسیون چند متغیره به شیوه همزمان^۱، تنها برای هویت ملی محاسبه شد. برای انجام رگرسیون، تمام ابعاد دینداری، منهای متغیر هویت قومی، وارد معادله رگرسیون شدند. بر اساس نتایج آزمون، تنها دو بعد پیامدی و اعتقادی دینداری تأثیر معنی‌داری بر هویت ملی پاسخگویان داشته و با هم توانسته‌اند ۱۴ درصد از واریانس متغیر وابسته را تبیین کنند. بنابراین، می‌توان گفت همه ابعاد دینداری تأثیر یکسانی بر هویت ملی پاسخگویان ندارند.

² Step Wise¹ Enter

خلاصه و نتیجه‌گیری

هویت تصور شخص در خصوص پیوستگی و کیستی‌اش و متمایز کردن او از دیگری است. این تمایز مهم است؛ زیرا تنها در پرتو چنین تمایزی است که می‌دانیم که هستیم، چه علاقه‌ای و علاقه به چه چیزی داریم و توانایی تشخیص آنچه را می‌خواهیم داریم (آندرسون، ۲۰۱۰). هویت اساساً به دو دسته فردی و جمعی تقسیم می‌شود. هویت فردی به تمایز "من" از "دیگری" و "هویت جمعی به تمایز "ما" از "آنها" اشاره دارد. این دو گونه هویت از نظر کیفی، اگر نه به طور کلی، با یکدیگر تفاوت دارند، زیرا بر وجود چیزهای انضمامی به نام افراد، در تقابل با چیزهای انتزاعی به نام "جامعه" دلالت دارند. همچنین، هویت فردی بر تفاوت و هویت جمعی بر شباهت دلالت دارد (جنکینز، ۱۳۸۱: ۲۸-۳۳).

هویت جمعی که نتیجه پیوستگی و تعلق فرد به گروه است، انواع و اقسام متعددی دارد که اهمیت همه آنها در سطوح مختلف اجتماعی یا در طول تاریخ یکسان نبوده و نیست. در دوران مدرن تأکید خاص و ویژه‌ای بر هویت ملی و پیوستگی ملی بود. امروزه، هر چند هویت ملی مهم است؛ اما تشدید فرایندهای جهانی شدن و تکثرگرایی فرهنگی، انسجام و پیوستگی ملت‌ها و جوامع و پیرو آن برجستگی هویت ملی را با چالش اساسی روبه‌رو کرده است. در این وضعیت، رابطه هویت‌های جمعی موجود در جامعه، به‌ویژه هویت قومی و ملی، به یکی از مباحث مهم و مسأله‌دار اکثر جوامع تبدیل شده است، زیرا بر خلاف دوران مدرن که تصور می‌شد قومیت‌ها و فرهنگ‌های قومی در پرتو همبستگی‌های طبقاتی، یا جذب شدن در فرهنگ بزرگتر حذف، یا در بهترین حالت، کم رنگ خواهند شد؛ امروزه، بحث پیرامون اهمیت هویت‌های دیگر، مانند هویت دینی، جنسی و هویت قومی به صورت خاص در مرکز پدیده انسجام اجتماعی قرار گرفته است. امروزه دیگر جهت‌گیری هویت جمعی افراد مشخص، تک جهتی و در راستای جذب در هویت گسترده‌تر نیست. جهت‌گیری هویتی افراد اقلیت می‌تواند در جهت یکپارچگی،

جدایی، جذب و حاشیه‌ای شدن (گنگ، ۲۰۰۷) باشد. برجسته شدن هر یک از چهار نوع رابطه فوق، به‌ویژگی‌های فرهنگی هر جامعه، احساس طرد شدگی یا محرومیت گروه اقلیت و ویژگی‌های خرده گروه‌های قومی بستگی دارد. یکی از مهمترین منابع فرهنگی هر جامعه‌ای که می‌تواند نقش تعیین‌کننده‌ای در جهت‌گیری هویت جمعی افراد، یکپارچگی و تقاطع شکاف‌های اجتماعی موجود در آن جامعه داشته باشد، دین و میزان دینداری افراد آن جامعه است، زیرا دین از مهمترین عناصر پیونددهنده انسان با دیگران است؛ به‌ویژه در جامعه ما، دین و "آیین شیعه به رغم ... همه جا به جایی‌های اقتصادی و سیاسی سده هجدهم... ماندگاری خود را به اثبات رسانده و مانند ملاط چسبنده‌ای جامعه ایرانی را یکپارچه نگاه" داشته است (فوران، ۱۳۸۹: ۱۶۳). بر این اساس، این مقاله به بررسی پاسخ این سؤال پرداخت که دینداری چه نقشی در رابطه هویت قومی و هویت ملی دانش‌آموزان متوسطه شهر یاسوج دارد؟ فرض اساسی این بود که دینداری، به عنوان مبنای انسجام اجتماعی در جامعه ایران، به تقویت هویت ملی قوم لر کمک می‌کند.

مهمترین یافته‌های پژوهش

۱. رابطه دو نوع هویت قومی و ملی مثبت بوده است. این یافته مؤید نتایج تحقیقات حاجیانی (۱۳۸۸)، پابنده و جعفرزاده (۱۳۸۹) است که بیانگر همبستگی مثبت هویت قومی و هویت ملی در بین لره‌های مورد مطالعه‌شان بوده است.
۲. نتایج پژوهش مؤید فرض اساسی تحقیق بود، زیرا همه ابعاد دینداری همبستگی مثبت بالایی با هویت ملی پاسخگویان داشته‌اند، اما ابعاد اعتقادی و عاطفی، در مقایسه با بعد مناسکی و پیامدی، تأثیر بیشتری بر تقویت هویت ملی پاسخگویان داشته‌اند. این یافته تحقیق مؤید یافته‌های تحقیقات حاجیانی (۱۳۸۸)، حافظ‌نیا و فکوهی (۱۳۸۵)، استورم (۲۰۱۱) و آکالیسکی (۲۰۱۲) است که همگی بیانگر تأثیر مثبت دینداری بر هویت ملی هستند. همچنین، می‌توان

نسلی را در بررسی رابطه دینداری با هویت ملی و قومی لحاظ کند، ضروری هستند.

۶. در بررسی هویت جمعی دانش‌آموزان، توجه به دیگر منابع فرهنگی انسجام بخش مانند رسانه‌های ملی یا آموزش مدرن، نیز مستلزم توجه ویژه‌ای هستند.

پی‌نوشت‌ها

[۱] برای مثال، علی‌رغم اینکه یوگسلاوها از زبان واحدی برخوردار بودند، دین متفاوت آنها باعث از هم پاشی آن و تفکیک آن به سه حکومت مستقل کرووات‌ها (کاتولیک)، صرب‌ها (ارتدوکس) و بوسنیایی‌ها (اسلام) شد.

[۲] به گفته کوزیو^۲ (۲۰۰۲) در شرایط زیر ملی‌گرایی قومی به ملی‌گرایی مدنی تبدیل می‌شود: تحکیم دموکراتیک بومی، تأسیس نهادهای مدنی محلی، تأثیر مثبت نهادهای بین‌المللی، مشخص بودن گروه قومی در محدوده‌های مرزی متعلق به خودش.

[۳] یاسوج مرکز استان کهگیلویه و بویراحمد بوده و بیش از ۹۰ درصد جمعیت ساکن آن را لرها تشکیل می‌دهند.

[۴] نوشتن واژه فرهنگ با حرف بزرگ نشانه دیدگاهی کلیت‌گرا است و فرهنگ در این معنا امری فراتر از تمایزهای قومی و محلی است. هر چند در نظر ایگلتون، فرهنگ به عنوان امری جهان‌شمول تعریف شده که در عصر روشنگری ریشه دارد؛ در این مقاله ما فرهنگ را معادل با دین به عنوان چتری فراگیر در نظر گرفته‌ایم و فرهنگ (با حرف کوچک) را به عنوان ویژگی‌های فرهنگی قوم لر.

منابع

احمدلو، حبیب و افروغ، عماد. (۱۳۸۱). «رابطه هویت ملی و هویت قومی در بین جوانان تبریز»، فصلنامه مطالعات ملی، سال چهارم، ش ۱۳، صص ۱۰۹-۱۴۳.

گفت، تأثیر متفاوت ابعاد دینداری بر هویت ملی، با این یافته استورم (۲۰۱۱) همخوانی دارد که هویت‌یابی مسیحی و رفتن به کلیسا تأثیرات همانندی بر هویت ملی افراد مورد مطالعه و واکنش آنها به مهاجران نداشت.

۳. دینداری رابطه یکسانی با انواع هویت جمعی (قومی و ملی) ندارد. به عبارتی، منبع فرهنگی واحد، می‌تواند تأثیرات ناهمسانی بر انواع هویت‌های جمعی داشته باشد، زیرا در بین ابعاد دینداری، تنها همبستگی بعد پیامدی با هویت قومی معنی‌دار بوده است و سایر ابعاد همبستگی معنی‌داری با هویت قومی پاسخگویان نداشته‌اند. بنابراین، برای شناختن عوامل تقویت یا تضعیف‌کننده هویت قومی توجه به عوامل زمینه‌ای دیگر مانند احساس محرومیت قومیت‌ها، یا "احساس تعلق عاطفی و خانه فرهنگی"^۱ که تعلق قومی برای افراد یک قوم فراهم می‌کند (ناوارته و جنکینز، ۲۰۱۱) الزامی است.

۴. هر چند دین از مهمترین سرمایه‌های فرهنگی تعیین‌کننده چیستی و کیستی افراد قوم لر است و عاملی مهم در پیوند دادن آنان با جامعه بزرگتر محسوب می‌شود و در بررسی رابطه بین دو نوع هویت جمعی قومی و ملی متغیری مهم است؛ اما نباید در اهمیت آن مبالغه کرد: یکی اینکه، بر اساس نتایج آزمون همبستگی جزئی (جدول ۵)، همبستگی هویت قومی و ملی پس از کنترل تأثیر ابعاد دینداری، تنها به مقدار بسیار ناچیزی (۰.۱) و ۰.۲ درصد کاهش یافت؛ دوم اینکه همه ابعاد دینداری با هم توانسته‌اند تنها ۱۴ درصد از واریانس هویت ملی پاسخگویان را تبیین کند.

۵. موضوع دیگری که ناشی از حدس محقق بوده و شایسته بررسی بیشتر است، این‌که، شاید برجستگی اهمیت ابعاد اعتقادی و عاطفی دینداری در این تحقیق، ناشی از ویژگی‌های نمونه مورد بررسی (نوجوان و جوان بودن) باشد؛ شاید این گروه‌ها کمتر به ابعاد مناسکی و پیامدی دینداری توجه داشته باشند. لذا تحقیقات مقایسه‌ای که تفاوت‌های

¹ Cultural Home

² Kuzio

- احمدی، حمید. (۱۳۸۳). قومیت و قوم‌گرایی در ایران، از *افسانه تا واقعیت*، تهران: نی.
- اکوانی، سیدمحمدالله. (۱۳۸۷). «گرایش به هویت ملی و قومی در عرب‌های خوزستان»، *فصلنامه مطالعات ملی*، ش ۳۶، سال نهم، صص ۹۹-۱۲۶.
- الطائی، علی. (۱۳۷۸). *بحران هویت قومی در ایران*، تهران: شادگان.
- امان‌اللهی بهاروند، اسکندر. (۱۳۸۰). «بررسی علل گونه‌گونی قومی در ایران از دیدگاه انسان‌شناسی»، *فصلنامه مطالعات ملی*، ش ۹، صص ۱۲-۳۴.
- ایگلتون، تری. (۱۳۸۶). *ایده فرهنگ*، ترجمه: علی ادیبراد، تهران: حرفه هنرمند.
- پاینده، مینا و جعفرزاده، فهیمه. (۱۳۸۹). «بررسی رابطه میزان هویت ملی و هویت قومی در بین جوانان دهم‌دهشت»، *دو فصلنامه علمی - تخصصی پژوهش جوانان*، فرهنگ و جامعه، شماره پنجم، صص ۱۰۱-۱۲۲.
- تاجیک، محمدرضا. (۱۳۸۴). «جهانی شدن و هویت»، *مجموعه مقالات هویت ملی و جهانی شدن*، تهران: دانشگاه تهران، صص ۲۵-۳۸.
- توسلی، غلامعباس. (۱۳۷۲). «ملیت، مذهب و آینده تمدن ایرانی»، *ماهنامه ایران فردا*، ش ۶، فروردین و اردیبهشت.
- جنکینز، ریچارد. (۱۳۸۱). *هویت اجتماعی*، ترجمه: تورج یار احمدی، تهران: شیرازه.
- حاجیانی، ابراهیم. (۱۳۸۰). «الگوی سیاست قومی در ایران»، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، سال چهارم، ش ۱ و ۲، صص ۱۲۵-۱۳۱.
- _____. (۱۳۸۸). «نسبت هویت ملی با هویت قومی در میان اقوام ایرانی»، *مجله جامعه‌شناسی ایران*، دوره نهم، ش ۳ و ۴، صص ۱۴۳-۱۶۴.
- حافظنیا، محمدرضا و کاویانی، مراد. (۱۳۸۵). «نقش هویت قومی در همبستگی ملی (مطالعه موردی قوم بلوچ)»، *مجله پژوهشی دانشگاه اصفهان (علوم انسانی)*، ج ۲۰، ش ۱، صص ۱۵-۴۶.
- حسین‌زاده، فهیمه. (۱۳۸۰). «گروه‌های قومی ایران، تفاوت‌ها و تشابه‌ها»، *فصلنامه مطالعات ملی*، سال دوم، ش ۸، صص ۴۳-۶۵.
- ریانی، علی؛ یزدخواستی، بهجت؛ حاجیانی، ابراهیم و میرزایی، حسینعلی. (۱۳۸۸). «بررسی رابطه هویت ملی و قومی با تأکید بر احساس محرومیت و جامعه‌پذیری قومی: مطالعه موردی دانش‌جویان آذری، کرد و عرب»، *مسائل اجتماعی ایران*، سال ۱۶، ش ۶۳، صص ۳۳-۶۹.
- رضایی، احمد؛ ریاحی، م. و سخاوتی‌فر، ن. (۱۳۸۶). «گرایش به هویت ملی و قومی در ترکمن‌های ایران»، *فصلنامه مطالعات ملی*، ش ۳۲، صص ۲۵-۳۶.
- داوری، رضا. (۱۳۷۶). *ناسیونالیسم و انقلاب*، تهران: مؤسسه مطالعات ملی.
- کاستلز، مانوئل. (۱۳۸۳). *عصر اطلاعات*، قدرت هویت، ترجمه: حسن چاوشیان، چاپ پنجم، تهران: طرح نو.
- لهسایی‌زاده، عبدالعلی؛ مقدس، علی‌اصغر و تقوی‌نسب، سید مجتبی. (۱۳۸۸). «بررسی عوامل داخلی مؤثر بر هویت قومی و هویت ملی در میان اعراب شهرستان اهواز»، *جامعه‌شناسی کاربردی*، سال بیستم، شماره پیاپی (۳۳)، ش ۱، صص ۴۵-۷۰.
- فکوهی، ناصر. (۱۳۸۱). «شکل‌گیری هویتی و الگوهای محلی، ملی و جهانی (مطالعه موردی لرستان)»، *مجله جامعه‌شناسی ایران*، دوره چهارم، ش ۳، صص ۱۲۷-۱۶۱.
- فکوهی، ناصر و آموسی، موسی. (۱۳۸۸). «هویت ملی و هویت قومی در کردستان (مطالعه موردی معیشت اقتصادی و تعلق‌های هویتی نزد جوانان شاغل در اقتصاد غیر رسمی پیرانشهر)»، *پژوهش جوانان*، فرهنگ و جامعه، شماره دوم، صص ۴۹-۷۵.

۵۲

- فوران، جان. (۱۳۸۹). *مقاومت شکننده، تاریخ تحولات اجتماعی ایران از صفویه تا سال‌های پس از انقلاب اسلامی*، ترجمه: تدین، ا.، تهران: خدمات فرهنگی رسا، چاپ دهم.
- طالبان، محمدرضا. (۱۳۸۹). «تبیین اعمال مذهبی، مدل نظری و آزمون تجربی»، *مجله جامعه‌شناسی ایران*، سال یازدهم، ش ۴، پیاپی ۳۲، صص ۸۲-۹۹.
- محمد هیودی، م. (۱۳۸۴). *نقش تمایلات قومی در مشارکت سیاسی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده ادبیات و علوم انسانی.
- مقدس، علی‌اصغر و حیدری، اله‌رحم. (۱۳۸۷). «رابطه هویت طایفه‌ای و هویت ملی با تأکید بر متغیرهای نگرشی در شهر نورآباد ممسنی»، *فصلنامه مطالعات ملی*، ش ۳۳، صص ۱۵۱-۱۷۸.
- نواح، عبدالرضا و تقوی‌نسب، مجتبی. (۱۳۸۷). «تأثیر احساس محرومیت نسبی بر هویت قومی و هویت ملی مطالعه موردی: اعراب استان خوزستان»، *مجله جامعه‌شناسی ایران*، دوره هشتم، ش ۲، صص ۱۴۲-۱۶۳.
- هانتینگتون، ساموئل. (۱۳۸۳). «اهمیت فرهنگ‌ها»، در *اهمیت فرهنگ، هانتینگتون، س. و هریسون، ل.* ترجمه: گروه ترجمه انجمن توسعه مدیریت ایران، تهران: امیر کبیر، صص ۲۷-۳۳.
- هروک، میروسلاو. (۱۳۸۶). «از جنبش ملی تا یک ملت کامل، فرآیند شکل‌گیری ملت‌ها در اروپا»، ترجمه: دکتر سیاووش مریدی، *فصلنامه اطلاعات سیاسی-اقتصادی*، ش ۱۰۹-۱۱۰، صص ۴۴-۵۳.
- هزارجریبی، جعفر و لهراسبی، سعید. (۱۳۹۰). «بررسی رابطه سرمایه اجتماعی با میزان هویت جمعی»، *جامعه‌شناسی کاربردی*، سال بیست و دوم، شماره پیاپی (۴۲)، شماره دوم، صص ۱-۲۰.
- مظفری، سید محمد. (۱۳۸۱). «هویت ملی یا هویت قومی؟»، *گزارش، شهریور و مهر*، ش ۱۳۸-۱۳۹، صص ۵۰-
- ویلیم، ژیل. (۱۳۷۷). *جامعه‌شناسی ادیان*، ترجمه: محسن ثلاثی، تهران: تیان.
- Akaliyski, Plamen (2012) "Religion and National Identity in Europe", European Societies Seminar of Religiosity, Churches and Sects in Europe, 11/9/ 2012.
- Alexander, Jeffery & Smith, Philip (2006) "Elements of a Structural Hermeneutics", In: *Handbook of Sociological Theory*, Edited by Turner. J. H., USA: New York.
- Anderson, Hans E. (2010) "What Activates an Identity: The case of Never den", *International Relations*, November, Vol. 24(1), Pp: 46- 64.
- Barker, P. (2005) "Postmodern Religion", in: *Religion, Modernity and Postmodernity*, edited by P.Heelas and D. Martin. Oxford: Blackwell.
- Driedger, Martin (2006) "The Ethnic Identity, Other-Group Attitudes, and Psychosocial Functioning of Asian American Emerging Adults from Two Contexts", *Journal of Adolescent Research*, September, 71, pp: 542- 568.
- Gong, Li. (2007) "Ethnic Identity and Identification with the Majority Group: Relation with National Identity and Self-esteem", *International Journal of Intercultural Relations*, 31, Pp: 503- 523.
- Hall, Stuart. (1996) "The Questions of Cultural Identity", In: *Modernity and its Futures*, Edited by Stuart H. Great Britain: Black Well. Pp: 273- 326.
- Hastings, A. (1997) *The Construction of Nationhood: Ethnicity, Religion and Nationalism*. Cambridge: Cambridge University.
- Herbert, David. (2003) *Religion and Civil Society: Rethinking Public Religion in the Contemporary World*. Ltd, Bodmin, Corn Wall: Ash Gate.
- Huo, Y. J. & Heather, S. Tom, R. T. and Allan, L. (1996) "Super Ordinate Identification, Subgroup Identification and Justice Concerns", *Psychological Science*, Vol. 7, No. 1, (Jan), pp: 40- 45.
- Kinvall, C. (2004) "Globalization and Religious Nationalism: Self, Identity and Search for Ontological Security", *Political Psychology*, 25, pp: 741- 767.
- Krunovich, R. (2006) "An Exploration of Salience of Christianity for National Identity in Europe", *Sociological Perspective*, 49, pp: 435- 460.
- Kuzio, T. (2002) "The Myth of the Civic State: a Critical Survey of Hans Kohn's Framework for Understanding Nationalism", *Ethnic and Racial Studies*, pp: 20- 30.

for the 2009 Annual Meeting of the American Political Science Association, September 3-6, Toronto, CA.

- Lament, Michael. (2006) "Culture and Identity", In: *Handbook of Sociological Theory*, Edited by Jonathan H. T., USA: Springer.
- Liu, James H. & Abraham, Sheela (2002) "Social Representation of History in Malaysia and Singapore: On the Relationship Between National and Ethnic Identity" , *Asian Journal of Social Psychology*, 5, Pp: 3- 20.
- Meeus, Joke. Duriez, Bart. Vanbeselaere, Norbert & Filip Boen. (2010) "The Role of National Identity Representation in the Relationship Between In group Identification and out group Derogation: Ethnic Versus Civic Representation", *British Journal of Social Psychology*, Vol. 49, Pp: 305- 320.
- Moyser, G. (1991) "Politics and Religion in the Modern World : an Overview", in G. Moyser (Ed), *Politics and Religion in the Modern World*, London and New York: Rutledge, pp:1-27.
- Navarrete, Veronica & Jenkins, S. Haron, R. (2011) "Cultural Homelessness, Multiminority Status, Ethnic Identity Development and Self Esteem", *International Journal of Intercultural Relations*, 35, Pp: 791- 804.
- Sanders, Jimy, M. (2002) "Ethnic Boundaries and Identity in Plural Societies", *Annual Review of Sociology*, Vol. 28, Pp: 327- 357.
- Storm, Ingrid. (2011) "Secular Christianity as National Identity: Religion, Nationality and Attitudes to Immigration in Western Europe", A PhD Thesis OF Social Sciences at Manchester University.
- Schwartz, Seth J. Luycky, K. & Vigudes, Vivian L. (2011) *Handbook of Identity Theory and Research*. New York: Springer.
- Tajfel, Henri & Turner, John C. (1986) "The Social Identity Theory of Intergroup Behavior", in: *Psychology of Inter Group Relations*, Edited by S. Worchel & L. w. Austin, Chicago: Nelson Hall, Pp: 7- 20.
- Todd, Jennifer. (2005) "Social Transformation, Collective Categories and Identity Change", *Theory and Society*, Vol. 34, No. 4, Aug, Pp: 429- 463.
- Voicu, Malina. (2012) "Religion and Nationalism in Post- Communist Societies: A Longitudinal Approach", *Studia UBB Sociologia: 2/2012*, pp. 121- 138. On WWW. Coeol . Com.
- William F. S. M. & David A. R. (1991) " Nationalism Versus Ethnic Identity in Sub- Saharan Africa", *The American Political Science Review*, Vol. 85, No. 2, Jun, pp: 393- 403.
- Wright, Matthew & Citrin, Jack. (2009) "*God and Country: Religion, Religiosity and National Identity in American Public Opinion*", paper